

هر فک از آهزاران

حرف‌های صمیمی با جوانان

ابوالفضل علی‌دوست ابرقویی

وقتی سخن از «سرمایه‌های یک کشور» به میان می‌آید، آنچه در ابتدا به ذهن می‌رسد، سرمایه‌های مادی است، مانند معادن طلا و نقره، آهن و مس، چاه‌های نفت و گاز، مراتع و مزارع و منابعی از این دست. اما باید توجه داشت که اهمیت نیروهای انسانی هر کشور، به ویژه، «جوانان» به مراتب بیش از سرمایه‌های مادی آن کشور است. زیرا اگرچه وجود سرمایه‌های مادی شرط لازم توسعه اقتصادی و فرهنگی کشورهاست، اما به کارگیری این سرمایه‌ها در گرو وجود نیروهای کارآمد انسانی است که طبعاً نیروهای جوان هر کشور مرکز ثقل آن خواهد بود.

بر همین اساس «جوانان» به عنوان کارآمدترین نیروهای انسانی، مورد توجه مسئولان هر کشور قرار دارند، زیرا رسیدن به وضعیت مطلوب و نیز «ثبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی» هر کشور در گرو به کارگیری صحیح نیروهای کارآمد آن است. بنابراین، دلیل وضعیت نسبتاً مطلوب سیاسی، اجتماعی، فرهنگی برخی کشورها اهتمام ویژه به نیروهای کارآمد و متخصص انسانی بویژه جوانان است و این مهم در کشورهایی که به دنبال وضعیتی مناسب و ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستند، ضرورتی دوچندان پیدا می‌کند.

طی سال‌های اخیر، در کشور ما نیز توجه به جوانان از جمله موضوعات داغ و به روز جامعه اسلامی بوده است. به گونه‌ای که اگر گروه یا حزب و یا مقامی در شعارهایش توجه به جوانان کم‌رنگ باشد گویا هیچ کاری انجام نداده است.

در ضرورت توجه به جوانان و اهتمام به این قشر کارآمد، کم‌ترین تردیدی وجود ندارد، اما نکته‌ای قابل توجه «انگیزه» و «نحوه» این توجه و اهتمام می‌باشد. توجه به شایستگی‌های جوانان و نوجوانان شایسته ریشه در تفکر دینی و سیره نبوی و علوی علیه السلام دارد. برای اثبات این مدعا به سه حادثه مهم تاریخی ذیل توجه کنید:

۱. «مصعب بن عمیر» از جوانان رعنا و عفیف مکه بود، که چون به محضر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله راه یافت، اسلام اختیار کرد، روزی دو نفر از محترمین مدینه خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند و از آن بزرگوار خواستند تا کسی را به عنوان مبلغ اسلام به مدینه بفرستد. حضرت نیز مصعب را برای این امر انتخاب کردند. این جوان در جنگ «بدر» حضور داشت، در جنگ «أُحُد» پرچمدار سپاه اسلام بود، و در همین غزوه به شهادت رسید. (۱)

۲. پس از فتح مکه، جنگ «حُنَین» پیش آمد؛ لازم بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله با یاران خود عازم جبهه شوند. بنابراین، ضرورت وجود کسی که بتواند در غیاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

مگه را اداره کند، احساس شد.

رسول خدا ﷺ جوان بیست و یک ساله‌ای را به نام «عتاب بن اسید» برای این امر مهم برگزیدند. در حکم آن حضرت خطاب به وی آمده است: «... آیا می‌دانی تو را به چه مقامی گمارده‌ام و بر چه قومی فرمانروا قرار داده‌ام؟ تو را حاکم و امیر اهل حرم خدا و ساکنین مکه معظمه نموده‌ام. اگر در میان مسلمانان کسی را شایسته‌تر از تو می‌شناختم حتماً این مقام را به او محول می‌کردم...» براساس پیش‌بینی‌هایی که می‌شد، این انتصاب برای بزرگان و ریش‌سفیدان مکه قدری گران و دشوار آمد و واکنش آنان را برانگیخت. رسول خدا ﷺ در جواب این واکنش نامه‌ای به اهل مکه نوشتند. در بخشی از این نامه آمده است:

«... هیچ یک از شما جوانی عتاب را مورد اعتراض قرار ندهد، زیرا ملاک فضیلت انسان کبر سن و بزرگی نیست، بلکه میزان بزرگی انسان فضیلت و کمال معنوی او است...» (۲)

۳. انتصاب «اسامه بن زید» به فرماندهی سپاه مسلمین در جنگ با رومیان، در حالی که تنها هیجده سال بیش نداشت، مصداق دیگری از توجه و اهتمام رسول گرامی اسلام ﷺ به جوانان، و نگرش شایسته سالارانه آن بزرگوار است. همان‌طور که بیان شد، هدف این نوشتار تبیین دو مطلب است: اول: انگیزه‌افزایی که از ضرورت توجه به جوانان و اهتمام به این قشر کارآمد دم می‌زنند.

دوم: نحوه نگرش به این قشر.

در خصوص مورد اول باید اذعان داشت هرچند هستند کسانی که به محض بروز یک حادثه و یا معضل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با طرح شعارهای جذاب و زیبنده در عین حال، فریبده بر موج این‌گونه حوادث سوار می‌شوند و از احساسات مردم سوء استفاده می‌کنند، اما این امر نمی‌تواند از ارزش و اعتبار انگیزه‌کسانی که خالصانه و بر اساس «ضرورت‌های اجتماعی» به حل معضلات اجتماعی و فرهنگی می‌پردازند کم کند. به هر حال، باید اذعان کرد که این امر مهم یک ضرورت اجتماعی است که باید فارغ از شعارها، به آن پرداخت.

در خصوص مسأله دوم، یعنی چگونگی نگرش به جوانان، دستورالعملی از پیامبر اسلام ﷺ راهگشا است. آن بزرگوار فرمودند:

«... به شما درباره جوانان به نیکی سفارش می‌کنم؛ زیرا آنان دلی رقیق دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سختم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قبول دعوتم سرباز زدند و به مخالفت برخاستند...» (۳)

این فرمایش پیامبر اکرم ﷺ راهنمای کسانی است که به عنوان متولیان امور فرهنگی جامعه، پرداختن به جوانان را ضرورتی اجتماعی و وظیفه الهی می‌دانند.

نکته مهمی که بایستی در ایفای این رسالت مهم مورد توجه قرار گیرد، «توجه به فضیلت‌پذیری جوانان» است. زیرا براساس فرمایش رسول اکرم ﷺ جوانان به دلیل رقت قلب و دوری از قساوت و عناد، در مقابل حق و حقیقت سرتسلیم فرود آوردند و با رسول خدا ﷺ پیمان محبت بستند.

بر این اساس، برنامه‌ریزان امور فرهنگی جوانان، بایستی براساس استعدادها و توانایی‌ها و ظرفیت‌های فطری جوانان و اقتضائات این مقطع سنی و با عنایت ویژه به این مقطع سنی اقدام به برنامه‌ریزی برای آنان کنند.

بدیهی است این نکته بیانگر یک اصل کلی است و آن این‌که در برابر خواسته‌ها و اقتضائات جوانی دو گونه می‌توان موضع‌گیری و یا برنامه‌ریزی نمود:

اول: اتخاذ استراتژی منفعل

دوم: پی‌گیری شیوه‌ای فعال

بی‌شک هستند جوانانی که «قیود دینی و اجتماعی» را بر نمی‌تابند و مایل‌اند به خواسته‌های طبیعی خود در خارج از این ضوابط دست یابند. البته، این گرایش یا به دلیل عدم تربیت صحیح افراد و عدم هنجارپذیری آنان است و یا به دلیل عدم امکانات کافی است. عمدتاً باید دو روش را برنامه‌ریزان و مجریان امور فرهنگی و در شکل کلی آن «نظام» در برابر چنین پدیده‌هایی در پیش گیرند.

انتخاب استراتژی منفعل از سوی کارگزاران و مجریان نظام زمانی است که آنان «دنبال رو» خواسته‌های این چنین جوانان شوند، با این توجیه که بایستی به تمایلات جوانان بهاد داد و بدین ترتیب، ما هر روز شاهد شکستن هنجارها و ارزش‌های اخلاقی و معنوی در جامعه اسلامی خواهیم بود. و این استراتژی منفعل است چرا که در این صورت کارگزاران و مجریان به جای تأثیرگذاری بر جوانان، از آنان و تمایلاتشان تأثیر پذیرفته و منفعلانه با آن برخورد می‌کنند. روش دیگر برخورد با خواسته‌های جوانان این است که حاکمیت کشور و نظام با در نظر گرفتن خواسته‌ها و اقتضائات و نیازهای واقعی دوران جوانی و انتخاب نگرشی واقع‌بینانه نسبت به خواسته‌های آنان، فعالانه گرایش‌های طبیعی آنان را جهت داده و آنان را ضمن آشنا نمودن با هنجارهای دینی و اجتماعی و هنجارپذیر کردن آنان، به این خواسته‌ها و تمایلات جامه عمل بپوشند این شیوه، همان انتخاب استراتژی فعال است.

برای مثال، غریزه جنسی، از مقطع نوجوانی شروع به فعالیت می‌کند و در مقطع جوانی به اوج فعالیت خود می‌رسد. بسیاری از جوانان به دلایل متعدد نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند با تشکیل خانواده به این خواسته طبیعی و فطری پاسخ دهند. در این صورت، اگر مسئولان جامعه با وعده و وعیدهای غیرعقلایی و سعی در مسکوت گذاشتن این خواسته مهم کنند، و احیاناً با سرکوب برخی ارزش‌های معنوی و اجتماعی، و یا ترویج برخی فیلم‌ها و کالاهای فرهنگی و روانی!! این غریزه طبیعی را به نوعی دچار تخدیر نمایند. چنین شیوه‌ای استراتژی منفعل است. در صورتی که مسئولان با اتخاذ شیوه‌های اصولی و برنامه‌ریزی صحیح، این خواسته را در قالب تشکیل خانواده درآورند و برای دست‌یابی به راه‌حل‌های آسان به منظور تشکیل این کانون مقدس تلاش کنند، به شیوه‌ای فعال دست زده‌اند و یا این‌که از ترویج کالاهای فرهنگی مبتذل و مهیج خودداری نموده و اقدام به آموزش هنجارهای اجتماعی و ارائه راهکار برای این معضل اجتماعی نمایند. سفارش رسول مکرّم اسلام ﷺ مبنی بر نیکی به جوانان و این‌که جوانان دارای رقت قلب‌اند و سایر سفارش‌های حضرت درباره جوانان بیانگر پیام مهمی برای والدین و مربیان و متولیان امور فرهنگی جامعه است و آن این‌که مسئولان و متولیان فرهنگی با در نظر گرفتن استعداد و توانمندی‌های جوانان، خواسته‌های آنان را جهت داده و فعالانه در جهت کمال آنان تلاش کنند. چون «تربیت» در واقع به فعلیت درآوردن استعدادهای نهفته و فطری افراد است و نیز اتخاذ استراتژی و شیوه‌ای تأثیرگذار و فعال است، نه شیوه و استراتژی تأثیرپذیر و منفعل.

آنچه بدان اشاره شد تنها گوشه‌چشمی به مطالب و مبحث جدی در این زمینه است که از این پس، در همین صفحه دنبال خواهیم کرد و در حد توان سعی خواهیم کرد در هر شماره یکی از معضلات فرهنگی و اجتماعی مبتنی به جوانان را طرح و سپس به ارائه راه حل اقدام نماییم.

الحمد لله

● پی‌نوشت‌ها

۱- محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۷

۲- همان، ج ۱، ص ۱۹

۳- همان، ج ۲، ص ۲۴۸